



An Exploration of Educational Foundations in Light of the Blessed Surah Luqman*

Najmuddin Safari*

Abstract

The blessed Surah Luqman, as a treasury of divine wisdom, provides a distinguished platform for exploring the authentic foundations of human education in individual, ethical, and spiritual dimensions. This research, employing a descriptive-analytical approach and focusing on the verses of this Surah, particularly the wise counsels of Luqman (peace be upon him) to his son, aims to deduce and elucidate the fundamental principles of education. The findings indicate that the educational foundations, in light of this Surah, are based on six essential pillars: honoring and encouraging the learner to strengthen self-esteem and internal motivation; balanced application of reward and punishment for behavior modification and value reinforcement; the necessity of strategic and systematic planning in the educational process; the need for continuous supervision and guidance in the learner's growth and development; establishing spirituality and divine values at the core of the family as the primary educational environment; and fostering foresight and responsibility regarding the consequences of actions in worldly and otherworldly life. These foundations, interacting with each other, outline a comprehensive and profound approach that, in addition to correcting outward behaviors, emphasizes the purification of the inner self, strengthening intellectual foundations, and the spiritual elevation of the learner. It presents a practical and effective model for educators, especially parents, in nurturing a righteous, responsible, and insightful generation.

Keywords: Surah Luqman, Exploration of Educational Foundations, Religious Education, Wise Principles.

*. Received: ۱۰/۰۸/۱۴۰۴ SH (۰۱/۱۱/۲۰۲۵ CE) and Accepted: ۱۹/۱۱/۱۴۰۴ SH (۰۸/۰۲/۲۰۲۶ CE).

*. Master's degree in Quranic Sciences with a specialization in Management, the Higher Education Complex of Quran and Hadith: N.safari9.8@gmail.com



واکاوی بنیادهای تربیتی در پرتو سوره مبارکه لقمان*

نجم‌الدین صفری*

چکیده

سوره مبارکه لقمان به مثابه گنجینه‌ای از حکمت و حیانی، بستری ممتاز برای واکاوی بنیادهای اصیل تربیت انسان در ابعاد فردی، اخلاقی و معنوی فراهم می‌آورد. پژوهش پیش‌رو با رویکردی توصیفی تحلیلی و با تمرکز بر آیات این سوره، به‌ویژه نصایح حکیمانه لقمان علیه‌السلام به فرزندش، در صدد استنباط و تبیین اصول بنیادین تربیت برآمده است. یافته‌ها حاکی از آن است که بنیادهای تربیتی در پرتو این سوره بر شش محور اساسی استوار می‌گردد: تکریم و تشویق متربی برای تقویت عزت نفس و انگیزش درونی؛ کاربرست متوازن تنبیه و تشویق در جهت اصلاح رفتار و تثبیت ارزش‌ها؛ ضرورت برنامه‌ریزی راهبردی و نظام‌مند در فرایند تربیت؛ لزوم نظارت و هدایت مستمر بر سیر رشد و تعالی متربی؛ حاکم‌سازی معنویت و ارزش‌های الهی در کانون خانواده به‌مثابه بستر اصلی تربیت؛ و پرورش آینده‌نگری و مسئولیت‌پذیری در قبال پیامدهای اعمال در حیات دنیوی و اخروی. این بنیادها در تعامل با یکدیگر، رویکردی جامع و ژرف را ترسیم می‌کنند که افزون بر اصلاح رفتارهای ظاهری، به تزکیه باطن، تقویت بنیان‌های فکری و تعالی روحی متربی اهتمام می‌ورزد و الگویی کاربردی و کارآمد برای مربیان، به‌ویژه والدین، در مسیر تربیت نسلی صالح، مسئولیت‌پذیر و بصیر ارائه می‌دهد.

واژگان کلیدی: سوره لقمان، واکاوی بنیادهای تربیتی، تربیت دینی، اصول حکیمانه.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۸/۱۰ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۴/۱۱/۱۹

* کارشناسی ارشد قرآن و علوم گرایش مدیریت، مجتمع آموزش عالی قرآن و حدیث: N.safari908@gmail.com



مقدمه

انسان، این شریف‌ترین آفریده و امانت الهی، موجودی است چندساحتی و سرشار از استعدادها و قابلیت‌های نامتناهی که شکوفایی آن‌ها و هدایت وی به سوی قله‌های سعادت حقیقی، جز در پرتو نظام تربیتی ای جامع، ژرف و مبتنی بر شناخت دقیق از سرشت و نیازهای فطری وی میسر نمی‌گردد. در این میان، آنجا که سخن از اصیل‌ترین و ماندگارترین بنیادهای تربیت به میان می‌آید، بی‌گمان رجوع به منبع وحی و کلام نورانی خداوند، یعنی قرآن کریم، نه یک انتخاب، که یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است. خالق یکتای هستی که بر همه اسرار وجودی انسان آگاه است، در این کتاب آسمانی، راهنمایی روشن و اصولی استوار برای تعالی فردی و اجتماعی او ارائه نموده است. در عصر حاضر که طوفان مادی‌گری، ارزش‌های اخلاقی و معنوی را در هاله‌ای از ابهام فرو برده و بنیان خانواده‌ها را با تهدیداتی جدی روبه‌رو ساخته است، بازخوانی و واکاوی بنیادهای تربیتی مبتنی بر آموزه‌های الهی، نقشی حیاتی و انکارناپذیر یافته است. از میان انبوه آیات قرآن کریم، سوره مبارکه لقمان جلوه‌ای بی‌بدیل از حکمت عملی و اصول تربیتی را به نمایش می‌گذارد. این سوره، در قالب نصایح پدرانه و مشفقانه لقمان حکیم به فرزند خویش، گنجینه‌ای از مؤلفه‌های اساسی تربیت را در خود جای داده است؛ مؤلفه‌هایی که هر یک به سهم خود، بنیانی راسخ برای پرورش انسان‌هایی صالح، بصیر، مسئولیت‌پذیر و خدا آگاه ترسیم می‌کنند.

بر این اساس، پژوهش حاضر در صدد است تا با رویکردی توصیفی-تحلیلی و با ژرف‌نگری در آیات سوره لقمان، به واکاوی بنیادهای تربیتی بپردازد که این سوره مبارک در پرتو حکمت خویش فراروی مریبان، به‌ویژه والدین، می‌نهد. مسئله اصلی آن است که مشخص شود این بنیادهای تربیتی، که در چکیده پژوهش نیز به اختصار از آن‌ها یاد شد (شامل تکریم و تشویق، کاربست متوازن تنبیه و تشویق، برنامه‌ریزی راهبردی، نظارت مستمر، حاکم‌سازی معنویت در



خانواده و پرورش آینده‌نگری)، چگونه در نظام فکری سوره لقمان سازمان‌یافته و چه ارتباط معناداری با یکدیگر دارند. به عبارت روشن‌تر، این مقاله می‌کوشد تا با استنباط و تبیین این بنیادها، الگویی عملی و کارآمد برای اصلاح و تعالی فرایندهای تربیتی در خانواده و جامعه ارائه نماید و از این رهگذر، پاسخی باشد به بحران‌های هویتی و اخلاقی عصر جدید.

پیشینه پژوهش

واکاوی بنیادهای تربیتی در سوره مبارکه لقمان، به دلیل غنای محتوایی و ابعاد حکیمانه این سوره، همواره مورد توجه مفسران، اندیشمندان علوم قرآنی و نظریه‌پردازان حوزه تعلیم و تربیت اسلامی بوده است. پیشینه علمی این حوزه، عمدتاً ذیل دو رویکرد کلی قابل دسته‌بندی است: الف) تفاسیر تربیتی کلاسیک و معاصر که ضمن تفسیر آیات، به استخراج نکات اخلاقی و پرورشی پرداخته‌اند و ب) پژوهش‌های نظام‌مند دانشگاهی که با روش‌های نوین، به دنبال طراحی الگو و استخراج اصول و روش‌های تربیتی از این سوره برآمده‌اند. در میان منابع کهن و تفاسیر ارزشمند، مفسرانی نظیر علامه طباطبایی در «المیزان فی تفسیر القرآن» و فخرالدین رازی در «مفاتیح الغیب»، ذیل آیات مرتبط با لقمان حکیم، به تحلیل ابعاد تربیتی توحید، احترام به والدین، نماز، صبر و اعتدال پرداخته‌اند و زمینه‌های نظری پژوهش‌های بعدی را فراهم ساخته‌اند. هرچند این تفاسیر عمدتاً رویکردی جامع و تفسیری داشته‌اند، اما به صورت مستقل به استخراج نظام‌وار اصول و بنیادهای تربیتی پرداخته‌اند.

در حوزه پژوهش‌های معاصر و نظام‌مند دانشگاهی، مطالعات متعددی به تحلیل محتوا و استخراج مؤلفه‌های تربیتی سوره لقمان اختصاص یافته است. به عنوان نمونه، در یک پژوهش علمی-پژوهشی با عنوان «الگوی تربیت فرزند بر مبنای تحلیل و تفسیر سوره لقمان» (علی همت بناری، ۱۳۹۷)، با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوا و روش استنباطی، سه عنصر اصلی محتوا، اصول و روش‌های تربیتی از این سوره استخراج گردیده است. یافته‌های آن پژوهش نشان



می‌دهد که حضرت لقمان در محتوای تربیتی خود، سه محور «آموزه‌های اعتقادی، عبادی و اخلاقی» را دنبال نموده و در سطح اصول تربیتی، از شش اصل «اقناع‌مربی، رعایت اهمیت و اولویت، طرح بایدها و نبایدها در کنار هم، جامعیت، اعتدال، و زیباسازی و جذابیت» بهره‌جسته است. همچنین در سطح روش‌ها، از شش روش «موعظه، استدلال، تشبیه و تمثیل، بهره‌گیری از بیان عاطفی، عینی‌سازی و ذکر مصادیق به جای مفاهیم کلی، و ایجاد تنفر برای ترک رفتارهای نامطلوب» استفاده کرده است.

علاوه بر این، پایان‌نامه‌ها و مقالات متعددی در سال‌های اخیر به تبیین مؤلفه‌هایی چون «تکریم در تربیت»، «نقش تشویق و تنبیه از منظر قرآن» و «آموزه‌های تربیت اجتماعی در سوره لقمان» پرداخته‌اند. با وجود این تلاش‌های ارزشمند، بررسی پیشینه نشان می‌دهد که خلأ پژوهشی عمدتاً در عدم تمرکز بر مفهوم «بنیادها» به جای «اصول» یا «روش‌ها» و نیز عدم تبیین ارتباط نظام‌وار این بنیادها با یکدیگر در یک چارچوب منسجم احساس می‌شود. همچنین، بیشتر پژوهش‌های پیشین، به شش بنیاد محوری (تکریم و تشویق، کاربست متوازن تنبیه و تشویق، برنامه‌ریزی راهبردی، نظارت مستمر، حاکم‌سازی معنویت در خانواده، و پرورش آینده‌نگری) به صورت توأمان و در قالب یک واکاوی یکپارچه نپرداخته‌اند. از این رو، پژوهش حاضر با اتکا بر دستاوردهای پیشینان و با رویکردی تحلیلی-استنباطی، در صدد واکاوی این بنیادها در پرتو سوره لقمان و ارائه تصویری جامع‌تر از نظام تربیتی متعالی قرآن برآمده است.

روش پژوهش

روش‌شناسی ارتباط نگا تنگ با مبانی و منابع دارد و از این روی روش مدنظر توصیفی - تحلیلی است. این پژوهش از لحاظ شیوه‌ی گردآوری داده‌ها و تحلیل اطلاعات با روش تحقیقات اکتشافی قرار دارد و از حیث داده‌بنیادی و برحسب برآیند بنیادی و کاربردی است؛ زیرا درصدد فهم و درک دقیق نکات تربیتی سوره لقمان هست.



مفهوم شناسی

برای بیشتر آشنا شدن مطالب این نوشتار ابتدا مفهوم برخی از واژگان را بررسی می‌کنیم و به ترتیب ذیل بیان می‌کنیم:

الف) تربیت

تربیت از مصدر باب تفعیل از ماده (ربی یربو) است. در کتاب مفردات راغب اصفهانی در مورد کلمه ربا یربوا می‌نویسد رب به معنای مالک خالق مدبر سرور تربیت‌کننده و مربی می‌باشد (راغب اصفهانی، ج ۲: ۳). تربیت اصل به معنای رشد دادن و یا فراهم کردن زمینه رشد و پیشرفت و به فعلیت رساندن قوه درونی یک موجود است بناء بر این هر موجودی که قابلیت رشد را دارا باشد می‌توان آن را تربیت کرد. اگر بخواهیم یک تعریف به طوری کلی بیان کنیم می‌توان گفت تربیت. پرورش استعداد های مادی و معنوی و توجه دادن آنها به سوی اهداف و کمالاتی که خداوند متعال آنها را برای آن اهداف در وجود آدمی قرار داده است.

ب) لقمان

غلامی بود که در سرزمین سودان که در آن زمان جزو امپراتوری حبشه بود به دنیا آمد و در زمان حضرت داود می‌زیسته است. درباره اصل نژاد او اختلاف است بعضی او را گفته اند از قوم عاد بوده است و برخی دیگر او را به بنی اسرائیل نسبت داده اند و برخی دیگر نیز معتقدند او غلامی حبشی یکی از ثروتمندان بنی اسرائیل در زمان داود بوده است به دلیل داشتن حکمت و دانای از طرف ارباب خود آزاد شد. ایشان حکیم و از شخصیت های معروف اخلاقی و دانا. مورید پذیرش موریکان قرار گرفته است (ابن قتیبه، ۱۹۹۲: ۵). در احادیث از شیعه و اهل سنت به تفکر عمیق. ایمان و یقین عالی. سکوت. امانت دار راسگو و حل اختلاف مردم از ویژگی های این حضرت یاد شده است و گفته شده به مقام نبوت نرسید اما با حضرت داود در قضاوت همکاری می‌کرد (طباطبایی، ج ۶: ۱۲۴).



ج) محتوای سوره لقمان

سوره مبارکه لقمان، سی و یکمین سوره از مصحف شریف، از جمله سوره‌های مکی است که نزول آن در مکه و پیش از هجرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله صورت پذیرفته است. نامگذاری این سوره به «لقمان» برگرفته از آیات ۱۲ تا ۱۹ آن است که دربردارنده نصایح حکیمانه و جاودان لقمان حکیم به فرزند خویش می‌باشد؛ شایان ذکر است که نام مبارک لقمان تنها دوبار در تمام قرآن کریم و هر دو بار در همین سوره ذکر گردیده است (قرائتی، ۱۳۸۹، ج ۱۳: ۷). در خصوص چند و چون آیات این سوره، مشهور آن است که سوره لقمان مشتمل بر ۳۴ آیه می‌باشد، هر چند میان قراء و مفسران پیرامون ۳۳ یا ۳۴ آیه بودن آن اختلاف نظری جزئی وجود دارد. از منظر مکی یا مدنی بودن، بنا بر قول مشهور مفسران، تمامی آیات این سوره مکی است؛ لیکن برخی مفسران، از جمله ابن عباس، آیات ۲۶ تا ۲۸ آن را مدنی دانسته‌اند. این سوره در جزء بیست و یکم قرآن کریم جای گرفته است.

هدف اصلی و محور کلی سوره لقمان را در چند محور بنیادین می‌توان تبیین نمود:

۱. تبیین بنیان‌های اعتقادی دین به ویژه دعوت به توحید ناب و مبارزه با شرک، که در وصیت لقمان به فرزندش با عبارت «لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ» (لقمان/۱۳) تجلی یافته است.
۲. تأکید بر حقایق معاد و ضرورت ایمان به آن به عنوان مبدأ بازگشت و حسابرسی اعمال.
۳. ارائه اصول کلی اخلاقی و عملی برای سعادت فردی و اجتماعی انسان، در قالب آموزه‌هایی نظیر اقامه نماز، امر به معروف و نهی از منکر، صبر، احترام به والدین، اجتناب از تکبر، اعتدال در رفتار و گفتار، و پایداری در برابر سختی‌ها.



۴. تبیین راهکارهای بنیادین تربیت با لحنی پدران، مشفقانه و در عین حال حکیمانه؛ به گونه‌ای که این سوره را می‌توان یکی از غنی‌ترین منابع قرآنی در حوزه نظریه‌پردازی تربیت دینی و اخلاقی به شمار آورد.

به عبارت دیگر، سوره لقمان با پیوندی استوار میان سه رکن «عقیده»، «شریعت» و «اخلاق»، تصویری جامع از انسان مطلوب و مسیر قرب به خداوند ترسیم می‌نماید و از این حیث، در زمره سوره‌های بنیادین در حوزه انسان‌شناسی و تربیت قرآنی قرار می‌گیرد.

تجزیه و تحلیل مهم‌ترین ویژگی‌های تربیتی

به منظور تسهیل در تحلیل ابعاد تربیتی سوره مبارکه لقمان، می‌توان ساختار مضمونی این سوره را به پنج بخش اصلی تقسیم نمود که هر یک به جنبه‌ای خاص از معارف الهی و اصول تربیتی می‌پردازند. این تقسیم‌بندی، چارچوبی نظام‌مند برای بررسی دقیق‌تر آموزه‌های سوره فراهم می‌آورد و ارتباط منطقی میان آیات و مضامین آن را آشکار می‌سازد. بخش‌های پنج‌گانه سوره لقمان عبارتند از:

بخش اول (آیات ۱-۱۱): این بخش با معرفی جایگاه قرآن کریم به عنوان کتاب هدایت و حکمت آغاز شده و به تبیین اهمیت ایمان به غیب، اقامه نماز و انفاق می‌پردازد. محور اصلی این آیات، بیان ویژگی‌های پرهیزکاران و مؤمنان حقیقی و تأکید بر اینکه پیروی از هدایت الهی، عامل اصلی رستگاری و فلاح در دنیا و آخرت است.

بخش دوم (آیات ۱۲-۱۹): این بخش شامل نصایح ارزشمند و حکیمانه حضرت لقمان به فرزند خویش است. مضامین اصلی این آیات بر توحید و نهی از شرک به عنوان بزرگترین ظلم، احترام به والدین، اهمیت نماز، امر به معروف و نهی از منکر، صبر در برابر مشکلات، رعایت اعتدال در رفتار و گفتار، و دوری از تکبر و فخر فروشی تمرکز دارد. این بخش، هسته اصلی آموزه‌های تربیتی سوره را تشکیل می‌دهد.



بخش سوم (آیات ۲۰-۲۴): در این بخش، خداوند به بیان نعمت‌های بی‌شمار خود بر انسان در آسمان‌ها و زمین می‌پردازد و با اشاره به استدلال‌های واهی مشرکان، بر اهمیت تسلیم و انقیاد در برابر فرمان الهی و پیروی از آنچه از سوی او نازل شده است، تأکید می‌ورزد.

بخش چهارم (آیات ۲۵-۳۲): این آیات به ارائه براهین و نشانه‌های متعدد بر یگانگی، علم مطلق، قدرت لایزال و مالکیت خداوند بر تمام هستی اختصاص دارد. هدف این بخش، تقویت مبانی توحیدی و ایمان به خالق یکتا از طریق تدبیر در آیات آفاقی و انفسی است.

بخش پنجم (آیات ۳۳-۳۴): بخش پایانی سوره با دعوت مؤمنان به تقوای الهی و هشدار نسبت به فریب‌های شیطان و زندگی دنیا پایان می‌یابد. در این آیات بر اهمیت توجه به روز قیامت و عدم آگاهی انسان از زمان وقوع آن و نیز از آینده خویش (مانند زمان مرگ و محل آن) تأکید شده و علم مطلق به این امور منحصر در ذات باری تعالی دانسته شده است. این بخش، با یادآوری معاد، بر مسئولیت‌پذیری و بندگی خالصانه تأکید می‌کند.

۱- تکریم و تشویق

حضرت لقمان هنگامی که می‌خواهد فرزندش را نصیحت کند با محبت و احترام فرزندش را مورید خطاب قرار می‌دهد از یک لحنی محبت آمیز استفاده می‌کند (یا بُنّی) هنگامی که انسان فرزند خدا را یا هر شخصی را می‌خواهد نصیحت کند باید مانند حضرت لقمان برای مخاطب خود احترام قائل شود و با خد برتر بینی به مخاطب تذکر ندهد. هدفش این نباشد خودش را دانا تر از مخاطب جلوه ده «إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ» (لقمان ۱۸) نصحت باید برای رضایت پروردگار باشد (لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ)، امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: ذوالقرنین، بنده ای خالص بود که برای خدا نصیحت نمود و خدا هم او را خالص نمود «وَإِذْ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ وَهُوَ يَعِظُهُ يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ» و (یاد کن) زمانی که لقمان به پسرش در حال



موعظه‌ی او گفت: فرزندم! چیزی را همتای خدا قرار نده، زیرا که شرک (به خدا)، قطعاً ستمی بزرگ است.

نکته‌ها

یکی از راه‌های که می‌توان انسان را به حق دعوت کرد موعظه است. به همین سبب یکی از صفات قرآن موعظه هست که می‌فرماید: «قَدْ جَاءَتْكُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ» و هیچ انسان بی‌نیاز از نصیحت و موعظه نمی‌باشد. در برخی روایات آمده است: گاهی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌به جبرئیل می‌فرمود: «مرا موعظه کن». (موعظه صدوق، ص ۹۲)

حضرت علی‌علیه‌السلام نیز گاهی به بعضی از یارانش می‌فرمود: «مرا موعظه کن، زیرا در شنیدن اثری است که در دانستن نیست» (مطهری، ۱۳۸۸: ۲۲۴).

از داستان حضرت لقمان و فرزندش، می‌توان نکات کلیدی متعددی را درباره تربیت فرزند و موعظه آموخت؛ از جمله اینکه باید اصول تربیت فرزند را از بزرگان مانند لقمان بیاموزیم و هنگام موعظه یا گفتگو با فرزند، بسیار مهم است که ابتدا توجه و حواس شنونده را جلب کنیم، همانطور که لقمان با خطاب «یا بُنَّیَّ» نشان داد. علاوه بر این، موعظه همیشه باید بر اساس حکمت باشد، که منعکس‌کننده حکمتی است که به لقمان عطا شده بود، و داستان همچنین بر نیاز فرزندان به نصیحت و راهنمایی تأکید می‌کند و اهمیت غافل‌نشدن از آنها را نشان می‌دهد.

در حوزه هدایت و تبلیغ، توصیه می‌شود که ابتدا از نزدیکان خود شروع کنیم، به پیروی از مثال لقمان که ابتدا فرزندش را مخاطب قرار داد، و گفتگوی صمیمی و موعظه دلسوزانه به عنوان روش‌های مؤثر برای تربیت صحیح فرزند ارائه می‌شوند که در عمل لقمان در موعظه فرزندش با خطاب محبت‌آمیز «یا بُنَّیَّ» آشکار است. این خطاب محبت‌آمیز همچنین تأکید می‌کند که موعظه، به ویژه از پدر به فرزند، باید با عاطفه و گرمی همراه باشد، و در نهایت، یکی از شرایط



اساسی برای تأثیرگذاری موعظه، احترام گذاشتن به مخاطب و شخصیت دادن به اوست که از طریق عبارت محترمانه و محبت‌آمیز «یا بُنَّیَّ» منتقل می‌شود.

۲- اصل پیامدهای حکیمانه (تنبیه و تشویق)

یکی از بنیادهای مسلم در علوم تربیتی و مدیریت رفتار، اصل «پیامدها» است که بر اساس آن، هر رفتاری (خواه مطلوب یا نامطلوب) در صورتی در ساختار شخصیت فرد تثبیت یا حذف می‌شود که با نظام روشن و عادلانه‌ای از پاداش و تنبیه همراه گردد. اما آنچه سوره مبارکه لقمان را در این حوزه ممتاز می‌سازد، صرفاً توصیه به استفاده از تشویق و تنبیه نیست؛ بلکه ارائه چارچوبی هستی‌شناختی، انگیزشی و فرایندی برای این اصل است. به عبارت دیگر، در این سوره، تنبیه و تشویق نه به عنوان «تکنیک‌های اقتضایی»، بلکه به عنوان تجلی سنت‌های الهی در هدایت انسان ترسیم می‌شوند.

الف) تشویق اصیل: پاداش نه برای رفتار، که برای «هویت محسنانه». در بسیاری از نظام‌های تربیتی، تشویق به عملی خاص و محدود (مثلاً پاداش برای نمره خوب یا رفتار مطیعانه) داده می‌شود. اما سوره لقمان، الگویی فراتر ارائه می‌دهد. در آیه ۳ می‌خوانیم: «هُدًیً وَّ رَحْمَةً لِّلْمُحْسِنِينَ». قرآن کتاب هدایت و رحمت است؛ اما این هدایت، اختصاصی به «محسنان» دارد. نکته تربیتی ژرف در اینجا آن است که: تشویق الهی به «هویت» تعلق می‌گیرد، نه صرفاً به «رفتار». متربی باید ابتدا به جایگاه «محسن» (کسی که نیکی را نه از روی ترس یا طمع، که از روی ملکه وجودی انجام می‌دهد) ارتقا یابد. تشویق، تأیید همین هویت است.

ب) رابطه «هدایت» با «احسان» دیالکتیکی است: هرچه متربی بیش‌تر در مسیر احسان گام بردارد، هدایت بیش‌تری دریافت می‌کند و این هدایت خود، بزرگ‌ترین پاداش است، نه یک جایزه مادی صرف. خداوند در ادامه (آیه ۴) نشانه‌های محسنان را مشخص می‌کند: «الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ». یعنی تشویق نظام‌مند الهی، معطوف به استمرار در دو رکن اساسی



است: ارتباط عمودی با خدا (نماز) و ارتباط افقی مسئولانه با جامعه (زکات). دلالت تربیتی: مربی، به جای پاداش دادن به هر رفتار خوبِ مقطعی، باید بکوشد تا «حس هویت محسنانه» را در مربی تقویت کند و تشویق را وسیله‌ای برای تأیید این هویت قرار دهد، نه صرفاً یک محرک بیرونی.

ج) تنبیه: از هشدار حکیمانه تا بازدارندگی از طغیان. سوره لقمان به موازات تشویق، از «تنبیه» سخن می‌گوید؛ اما نه به معنای مجازات فیزیکی صرف، بلکه به عنوان آگاهی‌بخشی از پیامدهای طغیان. آیه ۶ هشدار می‌دهد: «أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ». این تنبیه برای چه کسانی است؟ برای «مَنْ يَشْتَرِ لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا». در این آیه، سه ویژگی هشداردهنده است:

خرید گفتار بیهوده و گمراه‌کننده (لهو الحدیث)

گمراه‌سازی دیگران از راه خدا بدون علم (بغیر علم)

اتخاذ راه خدا به عنوان ریشخند (هزوا)

تنبیه الهی (عَذَابٌ مُّهِينٌ) نه یک واکنش انتقام‌جویانه، بلکه «نتیجه طبیعی انتخاب آگاهانه فرد برای مسخره کردن حقیقت» است. این همان اصلی است که در علوم تربیتی امروز از آن به «پیامدهای منطقی» یاد می‌شود. مربی موظف نیست هر خطایی را با تنبیه فوری پاسخ دهد؛ بلکه نخست باید پیامدهای طبیعی و منطقی رفتار نامطلوب را برای مربی شفاف و قابل پیش‌بینی کند. همچنین باید میان «تنبیه برای اصلاح» (که هدفش بازگشت به مسیر است) و «عذاب خوارکننده» (که نتیجه طیشدن حد نصاب طغیان است) تفاوت قائل شود.

د) تعادل پویا: چرا لقمان از تنبیه مستقیم استفاده نمی‌کند؟. یک نکته شگفت‌انگیز در سوره لقمان آن است که در سراسر ۱۰ آیه نصایح (۱۳-۱۹) هیچ اشاره مستقیمی به تنبیه فرزند دیده نمی‌شود، در حالی که آیات اولیه سوره از عذاب مهین برای گمراهان سخن گفته است. این



«سکوت تربیتی» معنادار چیست؟ به نظر می‌رسد لقمان علیه‌السلام با هوشمندی تمام، اصل تنبیه را به سطح «هشدارهای غایی و اجتماعی» ارجاع می‌دهد و در روابط درون‌خانواده بر محبت، اقناع، تذکر و تبیین پیامدهای طبیعی تکیه می‌کند. تنبیه فیزیکی یا تحقیر کلامی در کلام او جایی ندارد. این نشان می‌دهد:

اساس تربیت در خانواده باید بر پیشگیری و آگاهی‌بخشی باشد، نه تنبیه پس از خطا. تنبیه هنگامی رخ می‌دهد که فرد عالماً و عامداً راه طغیان را در پیش گیرد و از هشدارها عبور کند.

تنبیه اصلی، محرومیت از «هدایت و رحمت» (همان پاداش محسنان) است، نه الزاماً یک مجازات قراردادی.

بر اساس تحلیل شبکه‌ای آیات ۱ تا ۶ و ۱۳ تا ۱۹ سوره لقمان، اصل پیامدها (تنبیه و تشویق) در این نظام تربیتی دارای ویژگی‌های زیر است:

هدف محور است، نه واکنش محور: تشویق برای هویت‌سازی (محسن) و تنبیه برای بازدارندگی از طغیان.

لایه‌مند است: از تشویق عاطفی (خطاب محبت‌آمیز) تا تشویق غایی (فلاح). شفاف و قابل پیش‌بینی است: پیامدهای اعمال (هم خوب و هم بد) در نظام الهی روشن است.

مرز خانواده و جامعه را حفظ می‌کند: در خانواده، اصل بر تکریم و موعظه است و تنبیه مستقیم جایی ندارد؛ اما هشدار از عذاب الهی، نقش بازدارندگی غیرمستقیم را ایفا می‌کند.

تنبیه را به «پیامد طبیعی طغیان» پیوند می‌زند، نه به انتقام یا خسونت مری. الگوی تنبیه و تشویق در سوره لقمان برخلاف رفتارگرایی صرف (که آن را صرفاً ابزاری برای شرطی‌سازی می‌داند)، یک «نظام معنایی - انگیزشی» است که در آن مرتبی می‌آموزد:



نیکی، پاداشی به نام «هدایت و رحمت» دارد و طغیان، پیامدی به نام «حرمان از نور هدایت» و «عذاب خوارکننده». خانواده به مثابه بستر اولیه، وظیفه دارد این نظام را شفاف و توأم با محبت تبیین کند، نه آنکه خود به ابزار تنبیه مستقیم بدل شود.

۳- برنامه ریزی دقیق

برنامه‌ریزی راهبردی، برنامه‌ای است که برای کل سازمان طراحی می‌شود، اهداف کلی سازمان را ترسیم می‌کند و به دنبال تعیین وضعیت سازمان در محیط است (Stephen & Coulter, ۲۰۱۳: ۱۲۰). برنامه‌ریزی راهبردی معطوف به پرسش‌های اصلی و مسائل اساسی سازمان‌هاست، امکانات و محدودیت‌های درونی و بیرونی سازمان را تحلیل می‌کند و راهبردهای خود را با توجه به آن‌ها تدوین می‌نماید. جهان‌بینی‌ها، اعتقادات و سنت‌های جامعه در برنامه‌ریزی راهبردی منعکس می‌شوند و این نوع برنامه‌ریزی در سطوح عالی سازمان شکل می‌گیرد (حسن‌بیگی، ۱۳۹۰: ۱۲۴-۱۲۵). برنامه‌ریزی راهبردی فراگیر است، دوره‌های زمانی طولانی را در بر می‌گیرد و برنامه‌ریزی عملیاتی سازمان را پوشش می‌دهد (منوریان، ۱۳۹۴: ۸۱). این نوع برنامه‌ریزی، برنامه‌ها و بودجه‌های سالانه معنادار و پیوسته به یکدیگر را تنظیم می‌کند تا معیارهای اندازه‌گیری و تحقق تصویر ایده‌آل آینده را محقق سازد (هینز، ۱۳۸۷: ۳۷). برنامه‌ریزی راهبردی پویاست و به اصل سرعت، دقت در انجام امور، اهمیت نوآوری و تغییر در سازمان توجه دارد (فرهمند، ۱۳۸۴: ۳۴۵-۳۴۶).

از نظر سطحی، تنها سطح عالی مدیریت سازمان درگیر آن است. از نظر زمانی، بلندمدت است و از نظر تمرکز، نخست روی عوامل خارجی تمرکز می‌کند (اسکودر بک، اسکودر و کفالس، ۱۳۸۵: ۵۶۳). برنامه‌ریزی راهبردی سه گام تدوین، اجرا و ارزیابی دارد. شناخت وضع موجود، ترسیم وضع مطلوب و راهبردهای رسیدن به وضع مطلوب، مدل و تعریف منتخب برنامه‌ریزی راهبردی در این مقاله است. فرایندیست که در آن تعیین اهداف سازمان و خط



مشی‌ها و استراتژی‌هایی برای بدست آوردن آن اهداف، صورت می‌گیرد (نبوی، ۱۳۹۳: ۴۶). برنامه‌ریزی، حرکت سریع برای رسیدن به خواسته‌ها در کم‌ترین زمان، با رعایت اولویت‌ها و شرایط است. ترسیم وضعیت مطلوب آینده، تقسیم‌کار و تفکیک وظایف از کارکردهای برنامه‌ریزی، می‌باشد. به همین جهت: «برنامه‌ریزی، نوعی پدیده عینی اجتماعی است و خصوصیت‌های ویژه خود را دارد. درعین حال یک رویداد منحصر به فرد نیست که دارای یک ابتدا و انتهای مشخص باشد، بلکه یک فرآیند مستمر و دائمی و منعکس‌کننده تغییرات و در صدد رسیدن به اهداف است. در سازمان‌های پیچیده امروزی، بدون برنامه‌ریزی‌های دقیق، امکان ادامه حیات نیست و برنامه‌ریزی، مستلزم آگاهی از فرصت‌ها و تهدیدهای آتی و پیش‌بینی شیوه مواجهه با آن‌هاست (نوری، ۱۳۹۲: ۲۱).

براین اساس است که می‌توان مدعی شد موفقیت سازمان‌ها در گرو مدیران مؤثر و کارآمد و داشتن برنامه‌ی علمی و کاربردی است. اگر سازمانی دارای چنین مدیر و برنامه باشد علاوه بر محصولات مطلوب و مطابق با رسالت خود، طرح‌ها و راهبردهای آن برای دیگران نیز الگو می‌شود که بر اساس شرایط و اقتضات می‌توانند برای دستیابی به اهداف خود از آن بهره‌گیرند. یکی از ویژگی‌های بنیادین نظام هستی که می‌تواند الگویی مهم در فرآیندهای تربیتی و توسعه فردی باشد، اصل نظم دقیق و برنامه‌ریزی هدفمند است. مشاهده پدیده‌های طبیعی، همان‌گونه که در آموزه‌های دینی نیز به آن اشاره شده، گواه این اصل است. به عنوان نمونه، در سوره لقمان آیه ۲۹ آمده است: «أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى وَأَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ».

این آیه، با اشاره به فرآیند تدریجی و منظم کوتاه‌شدن و بلندشدن شب و روز و حرکت زمان‌بندی‌شده خورشید و ماه تا «زمان معینی» (أَجَلٍ مُّسَمًّى)، بر وجود یک طرح و برنامه الهی در اداره جهان تأکید می‌کند. این تحولات طبیعی که نقشی حیاتی در پرورش موجودات و تنظیم



حیات دارند، تصادفی نبوده، بلکه نتیجه کاری الهی «با طرح و برنامه» و «زمان‌بندی شده» هستند. این نظم و برنامه‌ریزی در سطح کلان هستی، درسی مهم برای انسان‌ها و به‌ویژه در حوزه تربیت است. همان‌گونه که نظام آفرینش بر پایه برنامه‌ریزی دقیق و حرکات زمان‌بندی شده استوار است، فرآیند تربیت نیز نیازمند اهداف مشخص، مراحل تعریف‌شده، روش‌های منظم و زمان‌بندی مناسب است. تربیت مؤثر نمی‌تواند بدون طرح و برنامه صورت پذیرد؛ بلکه باید با در نظر گرفتن نیازها، توانمندی‌ها و مراحل رشد فرد، گام به گام و با دقت پیش برود. حرکت هر جزء از هستی به سوی «أَجَلٍ مُّسَمًّى» (زمان مشخص)، لزوم تعیین اهداف و زمان‌بندی برای دستیابی به آن‌ها در مسیر تربیت را یادآور می‌شود. بخش پایانی آیه، «وَأَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ» (و همانا خداوند به آنچه انجام می‌دهید آگاه است)، این پیام را تقویت می‌کند که اعمال انسان نیز در چارچوب یک نظام حساب‌شده قرار دارد و مورد رصد و آگاهی الهی است. این آگاهی، ضرورت هدفمند بودن و برنامه‌ریزی برای اعمال و رفتار را در جهت کسب رضایت الهی و دستیابی به کمال، بیش از پیش نمایان می‌سازد. بنابراین، اصل برنامه‌ریزی دقیق، نه تنها یک قانون حاکم بر طبیعت است، بلکه یک ویژگی تربیتی مهم محسوب می‌شود که لزوم نظم، هدفمندی و زمان‌بندی در کلیه فعالیت‌های انسانی، به‌ویژه در امر خطیر تربیت، را گوشزد می‌کند.

۴- نظارت و کنترل

«نظارت» در عربی به معنای «نگاه زیرکانه و تیزبین» و در فارسی به معنای «نظاره کردن، نظر کردن، نگرستن» است. در معجم المقاییس اللغة «نظارت» از ماده «نظر» به معنای «نظر افکندن، تأمل و دقت» است که «نظر» به معنای «تأمل در چیزی و معاینه کردن آن» نیز معنا می‌شود. (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ج ۶، ذیل واژه نظر) در اقرب الموارد نیز آمده «النظاره» کلمه‌ای است که عجم آن را به کار می‌برد و منظور از آن «پاکیزه نمودن باغ و بوستان» است؛ بنابراین نظارت همان «مراقبت و بازرسی یک چیز از آفت و بیماری» است (ابن فارس، ۱۴۰۴ق: ۵/۴۴۴) در زبان



انگلیسی اصطلاح «نظارت کردن» از دو کلمه لاتین «super» به معنای «بالای سر، در بالا» و همچنین «vise» به معنای «مواظب بودن، مراقبت کردن، نظارت کردن» و همچنین «دیدن و مشاهده کردن» تشکیل شده است. بعدها به تدریج در زبان انگلیسی کلمه «vise» به «vision» تبدیل شد و تلویحاً به شاهدانی اطلاق گردید که «توأم با بینش، دانش و آگاهی» باشند (شاهسون و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۴۵۶)

در اصطلاح برای نظارت از سوی اندیشمندان علوم مختلف تعاریف گوناگونی ذکر شده است، زیرا هر کدام از دیدگاه خود به این مفهوم نگریسته و تعریفی متناسب با تخصص خود ارائه نموده‌اند، اما اندیشمندان سازمان و مدیریت که در فرایند کارآمدی و بهینه کردن نظام اداری با موضوع نظارت درگیر هستند، ضمن تأکید بر محوریت نظارت در فرایند مدیریت، به تعریف اصطلاحی این واژه پرداخته و برخی از کارویژه‌های آن را برشمرده‌اند. از این رو تعاریف گوناگونی از نظارت و کنترل ارائه شده است.

- نظارت، به معنای زیر نظر گرفتن چیزی یا کسی باهدف اطمینان از انجام صحیح امور، جلوگیری از بروز خطایا آسیب، و یا بهبود عملکرد است (منصور نژاد، ۱۳۸۳: ۴).

- نظارت فراگردی است که از طریق آن، عملیات انجام شده با فعالیت‌های برنامه‌ریزی شده تطبیق داده می‌شوند. این فراگرد برای تصحیح مستمر عملکرد سازمان در جهت دستیابی به اهداف سازمانی به کار گرفته می‌شود و میزان پیشرفت در جهت تحقق اهداف را نشان می‌دهد (رضائیان، ۱۳۸۰: ۴۹۶؛ رضائیان، ۱۳۹۰: ۴۶۹).

- از نظر کونتز نظارت، به معنای ارزیابی و بهبود عملکرد برای اطمینان از تحقق اهداف سازمانی است (کنتز و همکاران، ۱۳۸۱: ۳۸۸/۲؛ آشنا، ۱۳۷۰: ۲۱۵؛ صادق‌پور، ۱۳۷۲: ۱۶۰).

باید افزود که در همه تعاریف یاد شده یک نقطه اشتراک وجود دارد و آن اینکه، «نظارت عبارت است از مقایسه بین آنچه که هست و آنچه که باید باشد» (خدمتی، ۱۳۷۷: ۴۷) در یک



جمع‌بندی کلی می‌توان گفت نظارت کوششی منظم برای دستیابی به اهداف از پیش تعیین شده است که از طریق بازخورد اطلاعات و نیز مقایسه با استانداردهای تعیین شده منجر به کشف انحرافات احتمالی می‌شود (رضائیان، ۱۳۹۸: ۲۴۶؛ الوانی، ۱۳۷۹: ۸۸). نظارت و کنترل در تربیت به معنای پی‌گیری مستمر فرآیند رشد فرد، رصد رفتارها و گرایش‌های او، و اعمال هدایت و اصلاح لازم برای اطمینان از حرکت در مسیر صحیح و دستیابی به اهداف تربیتی است. سوره مبارکه لقمان نمونه‌ای برجسته از این اصل را به تصویر می‌کشد؛ آنجا که لقمان حکیم با دلسوزی و حکمت، فرزندش را مورد خطاب قرار داده و با ارائه توصیه‌های کلیدی مانند پرهیز از شرک، برپایی نماز، امر به معروف و نهی از منکر، صبر در برابر مشکلات، و رعایت اعتدال در رفتار، مصادیق آنچه باید در تربیت مورد توجه و هدایت قرار گیرد را مشخص می‌سازد. این نصایح، خود شکلی از اعمال کنترل (هدایت‌گری) بر رفتار و عقاید فرزند است که بر مبنای نظارت (آگاهی از وضعیت و نیازهای او) صورت می‌گیرد. علاوه بر این، تأکید مکرر سوره بر علم و آگاهی مطلق خداوند نسبت به اعمال انسان، حتی به اندازه ذره‌ای خردل «إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ»، اساس و مبنای الهی ضرورت نظارت و کنترل در تربیت را فراهم می‌آورد؛ زیرا اگر خداوند ناظر و آگاه بر همه چیز است، مربی نیز به تبعیت از این اصل و برای مسئولیت‌پذیری در قبال امانت الهی (فرد تحت تربیت)، باید فرآیند رشد او را با دقت رصد و هدایت کند و متربی نیز باید به اصل خودنظارتی بر اساس آگاهی الهی پایبند باشد.

۵- حاکم‌سازی معنویت در خانواده

حاکم‌سازی معنویت در خانواده، به‌مثابه سپهر وجودی و کانون اصلی تربیت، بیش از یک توصیه ساده اخلاقی، یک نظام راهبردی است که سوره مبارکه لقمان بدان ساختار و استحکام بخشیده است. این نظام، صرفاً به آموزش مفاهیم دینی خلاصه نمی‌شود، بلکه به فرآیند تبدیل



خانه به «میدان تمرین زیست مؤمنانه» اشاره دارد. بر اساس شبکه معنایی آیات ۱۳ تا ۱۹ سوره لقمان، پنج محور اساسی برای حاکم‌سازی معنویت قابل استنباط است:

اول: ایمان محوری به عنوان ژرف‌ترین لایه معنویت (آیه ۱۳)

لقمان علیه‌السلام تربیت را از توحید آغاز می‌کند؛ اما نه به صورت یک گزاره خشک، بلکه با تبیین هزینه‌های شرک «إِنَّ الشُّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ». او شرک را نه فقط یک خطای اعتقادی، بلکه «ظلم به خویشان» معرفی می‌کند. این رویکرد، معنویت را از شعائر سطحی به یک جهان‌بینی بنیادین پیوند می‌زند و به مرتبی می‌آموزد که منشأ تمام ارزش‌ها و هنجارها، خدای یکتاست. حاکم‌سازی معنویت در خانواده، نخستین گامش نهادینه‌سازی این نگاه است که زندگی روزمره (خوراک، پوشاک، روابط، کار) همگی در پرتو «برای خدا بودن» معنا می‌شوند.

دوم: شبکه‌ای از مناسک و مسئولیت‌های اجتماعی (آیه ۱۷)

لقمان پس از توحید، بلافاصله به سراغ مؤلفه‌های عملی معنویت می‌رود. جالب آنکه او نه فقط «إِقَامَ الصَّلَاةِ» (برپایی نماز) که نماد پیوند عمودی با خدا را ذکر می‌کند، بلکه در ادامه «الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ» و «الصَّبْرِ» را اضافه می‌کند. این یعنی معنویت در خانواده سوره لقمان، فردگرایانه نیست؛ بلکه مؤمن در خانه می‌آموزد که نسبت به اصلاح جامعه نیز مسئول است. همچنین صبر بر سختی‌های این مسئولیت، خود یک عبادت و بستر رشد معنوی شمرده می‌شود. بنابراین حاکم‌سازی معنویت، یعنی آموزش «مسئولیت اجتماعی توأم با تاب‌آوری» در محیط خانواده.

سوم: اصل پنهان‌ناپذیری اعمال، به مثابه شالوده خودکنترلی (آیه ۱۶)

لقمان با نهایت ظرافت تربیتی، آینده‌نگری و نظارت الهی را در هم می‌آمیزد: «إِنَّهَا إِنْ تَكُ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ فَتَكُنْ فِي صَخْرَةٍ أَوْ فِي السَّمَاوَاتِ أَوْ فِي الْأَرْضِ يَأْتِ بِهَا اللَّهُ...». این آیه در



متن نصایح پدران، یک اصل روان‌شناختی عمیق برای حاکم‌سازی معنویت در خانواده ارائه می‌دهد: احساس مراقبت الهی (خودنظارتی معنوی). وقتی فرزند بداند حتی پنهان‌ترین کارهای خیر یا شر او از دید خداوند پنهان نمی‌ماند، درونی‌ترین لایه‌های شخصیتش تحت تأثیر معنویت قرار می‌گیرد. خانواده‌ای که این باور را تقویت می‌کند (نه از طریق ترس، بلکه از طریق محبت به خدای خبیر و لطیف)، بستری برای تربیت اخلاق مبتنی بر «تقوای درونی» فراهم می‌آورد.

چهارم: سبک زندگی متواضعانه و معتدل، تجلی بیرونی معنویت (آیات ۱۸-۱۹)

لقمان از توحید و نماز و امر به معروف، به جزئی‌ترین رفتارهای روزمره فرود می‌آید: «وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ» (با تکبر روی خود را از مردم مگردان) و «وَأَقْصِدْ فِي مَشْيِكَ وَاعْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ». این آیات نشان می‌دهد معنویت در خانواده، صرفاً به عبادت فردی خلاصه نمی‌شود، بلکه در نحوه راه رفتن، نحوه سخن گفتن (نه خیلی بلند و نه خیلی آهسته) و تواضع در برابر دیگران تجلی می‌یابد. حاکم‌سازی معنویت یعنی تبدیل این ارزش‌ها به نرم‌افزار رفتاری خانواده؛ یعنی فرزندی که در خانه یاد می‌گیرد صدای خود را کنترل کند، با فروتنی گام بردارد و دیگری را تحقیر نکند.

پنجم: حلقه اتصال معنویت با حقوق والدین (آیات ۱۴-۱۵) - یک چالش تربیتی

واقعی

سوره لقمان با هوشمندی، بلافاصله پس از توحید، به حقوق والدین می‌پردازد. این نظم آیات، معنویت را از انتزاع بیرون می‌آورد و در بستر ارتباطات عاطفی و تکلیفی خانواده تعریف می‌کند. حتی به فرزند می‌آموزد که اگر پدر و مادر مشرک بودند و از او خواستند که شرک ورزد، نباید از آنان اطاعت کند؛ اما همچنان باید «صُحْبَةً مَّعْرُوفَةً» (همنشینی شایسته و نیکو) با آنان داشته باشد. این سطح از تربیت، نشان می‌دهد حاکم‌سازی معنویت به معنای قطع رابطه



نیست، بلکه تربیت «انسان مستقل متعهد» است. خانواده‌ای که این اصل را درونی کند، هم به فرزند شخصیت می‌دهد و هم گسست عاطفی ایجاد نمی‌کند. حاکم‌سازی معنویت در خانواده در پرتو سوره لقمان، فرآیندی چندلایه و شبکه‌ای است که از «جهان‌بینی توحیدی» شروع می‌شود، از طریق «مناسک عبادی - اجتماعی» تغذیه می‌گردد، با «احساس نظارت الهی» درونی می‌شود، در «رفتار متواضعانه و معتدل» بروز می‌یابد و نهایتاً با «احترام به والدین (حتی در اختلاف اعتقادی)» تکمیل می‌شود. در خانواده امروز که با طوفان رسانه‌های بی‌هویت و فردگرایی افراطی مواجه است، باز تولید این نظام معنایی به جای گفتارهای صرفاً اخلاقی، می‌تواند:

از سکولاریزاسیون درون‌خانوادگی جلوگیری کند.

دینداری مستقل و از روی بصیرت (نه تقلید کورکورانه) را در فرزندان پرورش دهد.
و خانواده را به کارگاه تربیت «انسان مسئول، متواضع و امیدوار» تبدیل کند.

۶- آینده‌نگری

آینده‌نگری، به مثابه یکی از ارکان اصلی برنامه‌ریزی، نقشی بنیادین در تربیت فرد و جامعه ایفا می‌کند و بدون آن، دستیابی به اهداف مؤثر و پایدار دشوار خواهد بود. از آنجا که فرآیند برنامه‌ریزی اساساً معطوف به آینده است و تلاشی منطقی برای تعیین مسیر حرکت به سوی وضعیت مطلوب آتی محسوب می‌شود، پرورش ویژگی آینده‌نگری در متربی، بخش حیاتی از فرآیند تربیت محسوب می‌گردد. آینده‌نگری یا پیش‌نگری، فرآیند استفاده از اطلاعات گذشته و حال برای تخمین و پیش‌بینی شرایط و رویدادهای احتمالی آینده است و به برنامه‌ریز تصویری واقع‌بینانه از آینده ارائه می‌دهد. اگرچه گاهی پیش‌نگری مترادف با برنامه‌ریزی تلقی می‌شود، اما باید توجه داشت که پیش‌نگری ابزاری در خدمت برنامه‌ریزی و یکی از فنون آن است که به فرد در اتخاذ مفروضات و تصمیم‌گیری درباره آینده کمک می‌کند. با تدبر در آیات قرآن کریم، درمی‌یابیم که «آینده‌نگری» به عنوان یک ویژگی تربیتی مطلوب، به شیوه‌های گوناگون



مورد تأکید قرار گرفته است. مفاهیمی چون «توسم»، «حزم»، «بصیرت»، «فراست»، «تدبیر»، «عاقبت‌اندیشی» و «عبرت‌گیری» که همگی با آینده‌نگری ارتباط وثیق دارند، در متون دینی مطرح شده‌اند. این واژگان و آیات مرتبط، نشانگر دعوت مستمر پیامبر اکرم (ص) به پرورش روحیه برنامه‌ریزی، تدبیر و آینده‌نگری در انسان‌هاست.

قرآن کریم از انسان‌های مطلوب و ژرف‌نگر با تعبیر «متوسمین» یاد می‌کند و می‌فرماید: «إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْمُتَوَسِّمِينَ» (حجر، آیه ۷۵)؛ در این (سرگذشت عبرت‌آموز)، نشانه‌هایی است برای هوشیاران! «متوسم» کسی است که با دقت و فراست به امور می‌نگرد تا به حقیقت آن‌ها پی ببرد. علامه فضل‌الله در تفسیر این آیه می‌گوید: «متوسمین کسانی هستند که به وقایع و حادثه‌ها و اشخاص با دقت، تأمل و فراست می‌نگرند تا به شناختی عمیق در آن‌ها دست یابند». از منظر تربیتی، این گروه همان آینده‌پژوهانی هستند که با عبرت‌گیری از گذشته و به‌کارگیری فراست و تدبیر، برای پیشگیری از تهدیدات احتمالی آینده برنامه‌ریزی می‌کنند. این آیه بر اهمیت پرورش قدرت تحلیل و نگاه عمیق برای درک نشانه‌ها و پیش‌بینی آینده تأکید دارد. در واقع، آینده‌نگری یک اصل اساسی در زندگی و از دستورات کلام وحی و سیره عملی پیامبر اکرم (ص) است. به عنوان نمونه، خداوند متعال در سوره حشر می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ لَتَنْظُرَ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ» (حشر/۱۸)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از (مخالفت) خدا بپرهیزید؛ و هر کس باید بنگرد تا برای فردایش چه چیز از پیش فرستاده؛ و از خدا بپرهیزید که خداوند از آنچه انجام می‌دهید آگاه است! بر اساس این آیه شریفه، یک ویژگی تربیتی محوری، مسئولیت‌پذیری در قبال آینده است. هر فرد در برنامه‌ریزی‌هایش باید نتایجی که در آینده (اعم از فردای دنیوی یا اخروی) ثمر خواهد داد را در نظر بگیرد. به عبارت دیگر، در برنامه‌ریزی‌ها و تصمیم‌سازی‌ها باید مراحل مختلف و



پیامدهای آتی را لحاظ نمود تا شاهد به ثمر نشستن برنامه‌ها بود. این آیه مستقیماً به تربیت فرد برای نگاه به پیامدهای اعمالش در آینده اشاره دارد.

همچنین، قرآن کریم با تأکید بر مطالعه تاریخ، آن را منبعی برای آینده‌نگری تربیتی معرفی می‌کند. می‌فرماید: «فَدَخَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ» (آل عمران/۱۳۷)؛ پیش از شما، سنت‌هایی وجود داشت؛ پس در روی زمین گردش کنید و ببینید سرانجام تکذیب‌کنندگان (آیات خدا) چگونه بود؟! و نیز می‌فرماید: «قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلُ كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُشْرِكِينَ» (روم/۴۲)؛ بگو: در زمین سیر کنید و بنگرید عاقبت کسانی که قبل از شما بودند چگونه بود؟ بیشتر آنها مشرک بودند! این دو آیه شریفه نشان می‌دهند که نگاه به آینده در بسترهایی شکل می‌گیرد که دارای ظرفیت‌های مختلف است. آگاهی از این ظرفیت‌ها و توانمندی‌ها جهت برنامه‌ریزی نیازمند مطالعه گذشته است تا با بصیرت کامل و واقع‌بینانه برای آینده صورت گیرد. تاریخ به عنوان یکی از منابع و روش‌های شناخت آینده به شمار آمده و مطالعه آن یک روشنگری تربیتی را در پی دارد. علاوه بر این، سنت‌ها و قوانین حاکم بر تاریخ ثابت و قطعی می‌باشند که درس‌های ارزشمندی برای آینده ارائه می‌دهند.

یکی دیگر از آیات شریفه که به جد مسئله آینده‌نگری در سیره و روش پیامبر اکرم (ص) را مورد تأکید قرار می‌دهد، آیه آمادگی دفاعی است که می‌فرماید: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ» (انفال/۶۰)؛ هر نیرویی در قدرت دارید، برای مقابله با آنها [دشمنان]، آماده سازید! و (همچنین) اسب‌های ورزیده (برای میدان نبرد)، تا به وسیله آن، دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید! و (همچنین) گروه دیگری غیر از اینها را، که شما نمی‌شناسید و خدا آنها را می‌شناسد! و هر چه در راه خدا (و تقویت بنیه دفاعی



اسلام) انفاق کنید، بطور کامل به شما بازگردانده می‌شود، و به شما ستم نخواهد شد! لازمه چنین آمادگی و استعداد، بیداری قبلی و هوشیاری پیشین است.

این آیه بر پایه یک رویکرد تربیتی، ضرورت نگاه به آینده و پیش‌بینی نیازهای آتی را مطرح می‌کند. باید برای مواجهه و مقابله با دشمن، از زمان حال جلوتر بود و از ابزارها و تکنیک‌های لازم جهت برخورد با دشمن و تکنیک‌های آنان بهره گرفت. این یعنی بررسی و مطالعه آینده برای تشخیص میزان نیازمندی جهت مواجهه با رفتار احتمالی رقیب. این دستور قرآنی، پرورش حس مسئولیت‌پذیری، دوراندیشی و آمادگی مستمر را در فرد و جامعه هدف قرار داده است. غرض آنکه، یکی از شیوه‌های برنامه‌ریزی در مکتب تربیتی اسلام، بر اساس آیات شریفه یاد شده و دیگر آیات مشابه، آینده‌نگری و آینده‌پژوهی بوده است. در واقع، نگاه به آینده و برآیند عملکردها، سرلوحه برنامه‌های فردی و اجتماعی در سیره نبوی (ص) بوده است. البته لازم به یادآوری است که با وجود لزوم آینده‌نگری و طراحی برنامه‌ها، پیش‌فرض مدیران مکتب و حیانی اسلام، عدم قطعیت مطلق در اجرای آن است؛ زیرا قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «وَلَا تَقُولَنَّ لِسَيِّئَةٍ إِنِّي فَاعِلٌ ذَلِكَ غَدًا * إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ وَادْكُرْ رَبَّكَ إِذَا نَسِيتَ وَقُلْ عَسَى أَنْ يَهْدِيَنِّي رَبِّي لِأَقْرَبَ مِنْ هَذَا رَشَدًا» (کهف/۲۳-۲۴)؛ و هرگز در مورد چیزی نگو: «من فردا آن را انجام می‌دهم» * مگر اینکه خدا بخواهد! و هرگاه فراموش کردی، (جبران کن و) پروردگارت را به یاد آور؛ و بگو: «امیدوارم پروردگارم مرا به راهی هدایت کند که از این نزدیکتر به صواب باشد!».

بر اساس این آیات مبارکه، چند نکته مهم و حیاتی و قابل برداشت از منظر تربیتی وجود دارد: ۱- هرگز خود را مستقل از خدا ندانیم و به طور قطع از انجام کاری هر چند کوچک، در آینده خبر ندهیم. ۲- به امکانات و توان خود تکیه نکنیم، که فراهم بودن مقدمات، تضمین‌کننده انجام قطعی کار نیست. ۳- انسان پیوسته نیازمند خداست و در هر کاری باید خود را وابسته به



اراده الهی بدانند. این بینش و نگرش نسبت به آینده، رویکرد برنامه‌ریزی متفاوتی از آنچه در دانش مدیریت رایج مطرح است را به مدیران و برنامه‌ریزان می‌دهد که اتکا و استعانت از خالق یکتای بی‌همتا را در طرح و برنامه‌های خویش لحاظ کرده و عملیاتی سازند. این اصل تربیتی، ضمن تشویق به تلاش و برنامه‌ریزی، روحیه تواضع، توکل و تسلیم در برابر مشیت الهی را در فرد پرورش می‌دهد. در نهایت، آینده‌نگری در تربیت اسلامی، نه صرفاً یک تکنیک مدیریتی، بلکه یک ویژگی اخلاقی و رفتاری است که ریشه در ایمان به خدا، مسئولیت‌پذیری در قبال اعمال، عبرت‌گیری از تاریخ، آمادگی برای چالش‌ها و در عین حال، توکل و اعتماد به تدبیر الهی دارد. پرورش این ویژگی، انسان را برای مواجهه حکیمانه و مسئولانه با آینده آماده می‌سازد.

از منظر تربیتی، آیه شریفه ۳۴ سوره لقمان در بحث «آینده‌نگری» در واقع بر محدودیت‌های بنیادین انسان در شناخت آینده تأکید دارد. این آیه با بیان اینکه هیچ کس نمی‌داند فردا چه چیزی کسب خواهد کرد و در چه سرزمینی خواهد مرد، به مرتبی می‌آموزد که علم مطلق به زمان و مکان رویدادهای مهم زندگی، از جمله رزق و اجل، تنها در اختیار خداوند است. این ندانستن، یک ویژگی تربیتی مهم را در فرد نهادینه می‌کند: تواضع در برابر علم الهی و درک جایگاه مخلوق. رویکرد تربیتی مبتنی بر این آیه، فرد را به جای اتکا بر پیش‌بینی‌های ناقص، به تلاش و برنامه‌ریزی در زمان حال «ما ذا تکسب غداً» و همزمان توکل بر مشیت الهی سوق می‌دهد. داستان حکایت‌شده از مردی که برای فرار از مرگ به هند رفت و در همانجا اجالش رسید، مصداق‌گویایی از ناتوانی انسان در تعیین سرنوشت نهایی خود و تأکید بر این اصل تربیتی است که آینده‌ای که کاملاً در دست ما نیست، نیازمند تسلیم و اعتماد به تدبیر حکیمانه خداوند است. بنابراین، آینده‌نگری تربیتی از این منظر، نه در توانایی پیش‌بینی، بلکه در پرورش روحیه مسئولیت‌پذیری در زمان حال، تلاش مجدانه، و واگذاری نتایج به پروردگار علیم و خبیر است.



نتیجه

واکاوی بنیادهای تربیتی در پرتو سوره مبارکه لقمان نشان می‌دهد که این سوره، به ویژه در قالب نصایح حکیمانه لقمان علیه‌السلام به فرزندش، الگویی نظام‌مند، چندلایه و کاملاً کاربردی از تربیت اصیل انسانی ارائه می‌دهد. شش بنیاد اساسی مستخرج از این سوره عبارتند از: تکریم و تشویق (با خطاب محبت‌آمیز «یا بُنِیَّ» و تأکید بر عزت نفس و انگیزش درونی)، کاربست متوازن تنبیه و تشویق (با رویکرد پیامدهای طبیعی طغیان به جای مجازات فیزیکی مستقیم)، برنامه‌ریزی راهبردی (الهام گرفته از نظم دقیق نظام آفرینش و حرکت زمان‌بندی شده خورشید و ماه)، نظارت و هدایت مستمر (مبتنی بر علم مطلق و احاطه الهی بر اعمال)، حاکم‌سازی معنویت در خانواده (به عنوان بستر اصلی تربیت با محوریت توحید، نماز، امر به معروف، صبر و تواضع)، و پرورش آینده‌نگری و مسئولیت‌پذیری (با تأکید بر عبرت‌گیری از تاریخ و توجه به پیامدهای اعمال در دنیا و آخرت). این بنیادها در تعامل پویا با یکدیگر و با محوریت توحید و معاد، شبکه‌ای منسجم را تشکیل می‌دهند که سه هدف اساسی را دنبال می‌کند: تزکیه باطن (فراتر از اصلاح صرف رفتارهای ظاهری)، تقویت بنیان‌های فکری و اعتقادی، و تعالی روحی در پرتو محبت و نظارت الهی.

تمایز اساسی این الگوی قرآنی با رویکردهای صرفاً رفتاری یا شناختی در روان‌شناسی تربیتی معاصر، دقیقاً در همین پیوند عمیق با سه رکن یادشده نهفته است. سوره لقمان «انسان مطلوب» را موجودی ترسیم می‌کند که هم بصیر و آینده‌نگر است، هم متواضع و معتدل، هم مسئولیت‌پذیر و هم متکی بر توکل. در عین حال، این نظام تربیتی در عرصه عمل، مرزهای روشنی را ترسیم می‌کند: در خانواده، اصل بر تکریم، موعظه محبت‌آمیز و تبیین پیامدهای طبیعی است و تنبیه مستقیم فیزیکی یا تحقیر کلامی جایگاهی ندارد؛ تنبیه هنگامی رخ می‌دهد که فرد عالماً و عامداً راه طغیان را در پیش گیرد و از هشدارها عبور کند، و آن نیز چیزی جز محرومیت



از هدایت و رحمت الهی نیست. این رویکرد حکیمانه، هم از خشونت تربیتی می‌کاهد و هم مسئولیت‌پذیری واقعی را در متربی نهادینه می‌سازد.

در پاسخ به بحران‌های هویتی، اخلاقی و تربیتی عصر حاضر که ریشه در گسست از معنویت و ارزش‌های اصیل دارند، احیای این بنیادهای شش‌گانه می‌تواند گامی مؤثر و راهگشا باشد. مشروط بر آنکه والدین و مربیان با التزام عملی به این اصول، آن را از سطح نظریه به عرصه «زیست مؤمنانه» در خانواده و جامعه وارد سازند. سوره لقمان به خوبی نشان می‌دهد که تربیت نسلی صالح، بصیر، متعهد و آینده‌نگر نه از طریق تحمیل و اجبار، بلکه از راه محبت، تکریم، تبیین حکیمانه، نظارت عالمانه و حاکم‌سازی تدریجی معنویت در کانون خانواده میسر می‌گردد. این الگو می‌تواند به عنوان یک نظریه بومی و کارآمد در حوزه تعلیم و تربیت دینی مورد استفاده پژوهشگران، مربیان و والدین قرار گیرد.



منابع

* قرآن کریم

* نهج البلاغه

- ۱) ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم. ۱۹۹۲. المعارف (ابن قتیبه). مصر-قاہرہ: الہیئۃ المصریہ العامہ للکتاب.
- ۲) ابن منظور، ابوالفضل، جمال‌الدین، محمد بن مکرم. ۱۴۱۴. لسان العرب. سوم. بیروت: دارالفکر.
- ۳) ابو الحسین، احمد بن فارس بن زکریا. ۱۴۰۴. معجم مقاییس اللغۃ. اول. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزہ علمیہ قم.
- ۴) حسینی شاه عبدالعظیمی. ۱۳۶۳. تفسیر اثنا عشری. اول. تهران: میقات.
- ۵) خدمتی، ابوطالب. ۱۳۷۷. نظارت و بازرسی در اسلام. قم: مجله معرفت، شماره ۲۷.
- ۶) راغب اصفہانی، حسین بن محمد. ۱۳۸۸. قم: مرتضوی. چاپ ۴.
- ۷) رضائیان، علی. ۱۳۹۸. اصول مدیریت. بیست و نهم. تهران: انتشارات سمت.
- ۸) رضائیان، علی. ۱۳۸۰. مبانی سازمان و مدیریت. تهران: سمت.
- ۹) رضائیان، علی. ۱۳۸۷. مبانی سازمان و مدیریت. یازدهم. تهران: نشر سازمان سمت.
- ۱۰) شاهشون، زہرہ، مجتبی بذرافشان، بہروز مہرام، و مقصود امین خندقی. ۱۳۹۶. تأملی بر مفاهیم نظارت، کنترل، ارزیابی و پایش در آموزش عالی. یازدهمین ہمایش ملی ارزیابی کیفیت نظام‌های دانشگاهی، دانشگاه تبریز، صص ۱۴۵۶-۱۴۵۷.
- ۱۱) صادق پور، ابوالفضل، و جلال مقدس. ۱۳۷۲. سازمان، مدیریت و علم مدیریت. دوم. تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.



- ۱۲) طباطبایی، محمد حسین. ۱۳۹۰. المیزان فی تفسیر قرآن. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- ۱۳) قرائتی، محسن. ۱۳۸۳. تفسیر نور. یازدهم. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- ۱۴) کونتز و همکاران. ۱۳۸۱. اصول مدیریت. ترجمه طوسی و همکاران. پنجم. تهران: بی‌نا.
- ۱۵) مطهری، مرتضی. ۱۳۸۸. ده گفتار. بیست و هشتم. قم: صدرا.
- ۱۶) مکارم شیرازی، ناصر و دیگران. ۱۳۷۱. تفسیر نمونه. چاپ ۱۰. تهران: دار الکتب الإسلامیة.
- ۱۷) منصور نژاد، محمد. ۱۳۸۳. فلسفه نظارت. نشریه علمی پژوهشی حکومت اسلامی، تهران، شماره ۳۳.
- ۱۸) نبوی، محمد حسن. ۱۳۹۳. مدیریت اسلامی. قم: بوستان کتاب.
- ۱۹) نوری، روح‌الله. ۱۳۹۲. برنامه‌ریزی (۲). فصلنامه تخصصی مدیریت در اسلام، ش ۱۹ و ۲۰، بهار و تابستان.
- ۲۰) الوانی، سید مهدی. ۱۳۷۹. مدیریت عمومی. چهاردهم. تهران: انتشارات نی.



References

The Holy Quran

Nahj al-Balaghah

۱. Ibn Qutaybah, Abdullah ibn Muslim. (۱۹۹۲). *Al-Ma'arif* (Ibn Qutaybah). Cairo, Egypt: The Egyptian General Book Organization.
۲. Ibn Manzur, Abul Fadl, Jamal al-Din, Muhammad ibn Makram. (۱۴۱۴ AH). *Lisan al-'Arab*. ۳rd ed. Beirut: Dar al-Fikr.
۳. Abu al-Husayn, Ahmad ibn Faris ibn Zakariya. (۱۴۰۴ AH). *Mu'jam Maqayis al-Lughah*. ۱st ed. Qom: Islamic Propagation Office Publications of Qom Seminary.
۴. Hosseini Shahab al-Azimi. (۱۹۸۴). *Tafsir Ithna 'Ashari*. ۱st ed. Tehran: Mīqāt.
۵. Khadmati, Abu Talib. (۱۹۹۸). "Supervision and Inspection in Islam." *Ma'rifat Journal*, no. ۲۷.
۶. Ragheb Isfahani, Hossein ibn Muhammad. (۲۰۰۹). *[Title not provided in original, likely a work by Ragheb Isfahani]*. ۴th ed. Qom: Mortazavi.
۷. Rezaeian, Ali. (۲۰۱۹). *Principles of Management*. ۲nd ed. Tehran: SAMT Publications.
۸. Rezaeian, Ali. (۲۰۰۱). *Fundamentals of Organization and Management*. Tehran: SAMT.
۹. Rezaeian, Ali. (۲۰۰۸). *Fundamentals of Organization and Management*. ۱st ed. Tehran: SAMT Publications.
۱۰. Shamsavand, Zahra; Bazrafshan, Mojtaba; Mehrram, Behzad; & Aminkhandaqi, Maqsoud. (۲۰۱۷). "A Reflection on the Concepts of Supervision, Control, Evaluation, and Monitoring in Higher Education." In *The ۱st National Conference on Quality Assessment of University Systems*, Tabriz University, pp. ۱۴۵۷-۱۴۵۶.
۱۱. Sadeghpour, Abolfazl, & Moqaddas, Jalal. (۱۹۹۳). *Organization, Management, and Management Science*. ۲nd ed. Tehran: State Management Training Center.



۱۲. Tabataba'i, Muhammad Husayn. (۲۰۱۱). *Al-Mizan fi Tafsir al-Quran*. Beirut: Al-Alami Publications.
۱۳. Qara'ati, Mohsen. (۲۰۰۴). *Tafsir Noor*. ۱۱th ed. Tehran: Ma'had-e Farhangi-ye Darshayi az Quran.
۱۴. Koontz, Harold et al. (۲۰۰۲). *Principles of Management*. Translated by Toosi et al. ۵th ed. Tehran: Bina.
۱۵. Motahhari, Morteza. (۲۰۰۹). *Ten Lectures*. ۲۸th ed. Qom: Sadra Publications.
۱۶. Makarem Shirazi, Naser, et al. (۱۹۹۲). *Tafsir Nemuneh*. ۱۰th ed. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah.
۱۷. Mansournejad, Muhammad. (۲۰۰۴). "The Philosophy of Supervision." *Journal of Islamic Governance*, no. ۳۳. Tehran.
۱۸. Nabavi, Muhammad Hassan. (۲۰۱۴). *Islamic Management*. Qom: Bustan-e Ketab.
۱۹. Nouri, Ruhollah. (۲۰۱۳). "Planning (۲)." *Specialized Quarterly of Management in Islam*, nos. ۱۹ & ۲۰, Spring and Summer.
۲۰. Alvani, Seyyed Mehdi. (۲۰۰۰). *Public Management*. ۱۴th ed. Tehran: Ney Publishing.